

گروهک تروریستی داعش و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها

سیدعلی نجات*

پژوهشگر مسائل خاورمیانه و مدرس دانشگاه

چکیده

با برآمدن گروهک داعش در عراق و سوریه و اعلام تشکیل «دولت اسلامی» از سوی این گروه، فصل نوینی از تحرکات تروریستی در تاریخ روابط بین‌الملل گشوده شد که نماد آن‌را می‌توان «گذار از الگوی سازمان القاعده به الگوی سازمان داعش دانست». گروه تروریستی داعش و قبل از آن گروه القاعده در عراق به سرکردگی ابومصعب الزرقاوی جمهوری اسلامی ایران را تهدید به عملیات انتحاری کرده بود. ابومحمد العدنانی سخنگوی گروهک تروریستی داعش نیز در تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت که داعش می‌تواند و می‌خواهد ایران را به باتلاقی از خون تبدیل کند و ایران بدترین دشمن داعش محسوب می‌شود. از این‌رو نوشتار حاضر با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی ضمن بررسی ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در تقابل با گروهک داعش به فرصت‌ها و چالش‌های عمل‌کرد این گروه در عراق و سوریه برای جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود، در نهایت نیز به راهکاری مقابله با این گروهک تروریستی اشاره می‌شود.

کلید واژه‌ها

امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، تروریسم، داعش، عراق، سوریه، جبهه مقاومت.

* Email: Sa.nejat@yahoo.com

با توجه به درهم تنیدگی مسائل ژئوپلیتیکی ایران و عراق، مطالعه تأثیر تشدید فعالیت جریان سلفی‌گری و فرآیند انجام آن در عراق، نشان می‌دهد این جریان پس از سال 2003، در تلاقی و هم‌پوشانی ارگانیک با مدارهای وسیع و قدرتمند سلفی‌گری در خارج قرار گرفت و با شدت و حجم بی‌سابقه‌ای، تمام ظرفیت ایدئولوژیکی خود را برای مهار و تضعیف موقعیت ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران به کار بست. در این فرآیند، مسائلی از قبیل «ژئوپلیتیک شیعه با محوریت ایران»، «منزلت ایدئولوژیکی و نرم‌افزار اصلی جمهوری اسلامی ایران» و «مناسبات جدید ایران و عراق»، در معرض تهدیداتی با ماهیت نگرش‌های افراطی و ضد ایرانی و ضد شیعی قرار می‌گیرند که همه آنها در چارچوب استراتژی واحدی ذیل «سیاست تشدید منازعات فرقه‌ای در قالب شیعه و سنی» و توسط جریان شاخص سلفی‌گری پیگیری می‌شود (سیدنژاد، 1389). از جمله تهدیدات اخیر گروه‌های نوسلفی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، اقدامات گروه تروریستی داعش است.

داعش علاوه بر تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌طور خاص تهدیدی جدی برای اهداف جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. داعش تشیع را یکی از اهداف مشروع برای حمله خود می‌داند و با توجه به نقش بارز و حیاتی که تشیع در تعریف هویت ایرانی دارد، می‌توان گفت تهدید این جریان تروریستی برای ایران، یک تهدید حیاتی به‌شمار می‌آید. البته گروه تروریستی داعش با عمل‌کرد و حضور خود در منطقه، فرصت‌هایی را نیز برای جمهوری اسلامی فراهم نموده است. از این‌رو، در نوشتار حاضر ضمن بررسی ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در تقابل با گروه تروریستی داعش به فرصت‌ها و چالش‌های عمل‌کرد این گروه در عراق و سوریه برای جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود. در نهایت نیز به راهکاری مقابله با این گروه اشاره می‌شود.

1. نحوه شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش

گروهک تروریستی موسوم به «دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) شاخه‌ای از سازمان القاعده است که پس از کشته شدن بن لادن در سال 2011 به گروه‌های فدرالی پراکنده تبدیل گشت. ریشه داعش به سازمان «قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین» باز می‌گردد، که توسط ابومصعب زرقاوی، در سال 2004 میلادی تأسیس شد. در ژانویه سال 2006 سازمان «القاعده فی بلاد الرافدین» به سرکردگی زرقاوی با گروه‌های به اصطلاح جهادی و سلفی کوچک‌تر ادغام شد تا «مجلس شورای مجاهدین» را تشکیل دهد. پس از آن زرقاوی رهبر القاعده عراق باقی ماند، اما ابوعمر البغدادی ریاست مجلس شورای مجاهدین را بر عهده گرفت (عماد، 2013). پس از هلاکت زرقاوی در سال 2006، ابوحمزہ مهاجر به‌عنوان رهبر این گروه تعیین شد. در اکتبر آن سال نیز گروه دولت اسلامی عراق به رهبری ابوعمر البغدادی تشکیل شد. وی در سال 2010، همراه با ابوحمزہ المهاجر دیگر رهبر بلندپایه سازمان، در حمله مشترک نیروهای عراقی و آمریکایی جان باخت. پس از کشته شدن ابوعمر البغدادی، ابراهیم البدری معروف به ابوبکر البغدادی به این سمت رسید. ابوبکر البغدادی امیر دولت اسلامی در عراق در آوریل 2013، در پیامی صوتی ادغام گروه خود با جبهه النصره را تحت عنوان «الدوله الإسلامیه فی العراق والشام»، اعلام کرد. اما «الجولانی» سرکرده جبهه النصره و ایمن الظواهری رهبر سازمان بین‌المللی القاعده بلافاصله این مسئله را رد کردند. الظواهری بر جدایی این دو گروه تأکید کرد و دولت اسلامی عراق و جبهه النصره در شام را دو گروه مجزا و مستقل، اولی به رهبری ابوبکر البغدادی در عراق و دومی را به رهبری الجولانی در سوریه دانست (نجات، 1393: 3). داعش با ایمن الظواهری در مورد اولویت درگیری، مناطق نفوذ و زمان اعلام خلافت

اسلامی به اختلاف رسید. این گونه اختلافات باعث شد تا داعش خود را از القاعده جدا اعلام کند و هم‌چنین القاعده هر گونه وابستگی داعش به خود را رد کرد. بر این اساس داعش به‌عنوان گروهی رادیکال‌تر از القاعده به‌صورت جدی در دو حوزه عراق و سوریه به فعالیت پرداخت (نجات، 2015).

گروه داعش پس از تصرف مناطق گسترده‌ای از عراق و سوریه، با اعلام خلافت اسلامی، «ابوبکر البغدادی» رهبر این گروه را به‌عنوان خلیفه مسلمانان معرفی کرد و نام دولت خویش را «دولت اسلامی» تغییر داد. به‌دنبال آن گروه‌های رادیکال اسلامی بسیاری از جمله طالبان پاکستان، انصار بیت‌المقدس در مصر، جندالخلافة در الجزایر، بخشی از افراد جدا شده از گروه امارت اسلامی در قفقاز و...، بیعت خود را با این گروه اعلام نمودند. پس از تأسیس دولت، داعش اقدام به چاپ اسکناس و سکه‌های دینار و درهم کرد و پاسپورت جدیدی صادر کرد؛ در کنار چاپ فصلنامه، رادیو و تلویزیون داعش و پلیس وابسته به گروه هم فعالیت خود را آغاز کرده است. در این میان، استفاده از واژه «دولت اسلامی» در بیانیه‌ها و سخنرانی‌های رهبران داعش به‌خوبی بیان‌گر این واقعیت است که داعش سودای نفوذ در تمام سرزمین‌های اسلامی را دارد. این امر همه کشورها را در معرض تهدید قرار می‌دهد شواهد و قراین نشان می‌دهد؛ برخی از این کشورها پتانسیل بیشتری برای در معرض تهدید قرار گرفتن این گروه تروریستی دارند.

2. حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی گروهک تروریستی داعش

یکی از مهم‌ترین علل تسریع‌کننده در ظهور و افزایش توان داعش را می‌توان اقدامات پشت پرده بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا، عربستان سعودی، قطر، ترکیه و... با هدف مقابله با محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران دانست. بی‌تردید گروهی همانند داعش با حجم بالایی از عملیات‌های نظامی و انفجارهای تروریستی، بدون حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قادر به ایفای چنین نقشی نیست. در میان حامیان داعش بیش از همه نام عربستان سعودی و آمریکا مطرح است؛ اطلاعات موثق از نقش سازمان اطلاعات عربستان و شخص بندر بن سلطان، رئیس سابق دستگاه جاسوسی این کشور، در تشکیل گروه‌های تروریستی خطرناکی هم‌چون داعش و جبهه النصره حکایت می‌کند.

اما موضع «جو بایدن» معاون رئیس‌جمهور آمریکا واضح‌تر و نمایان‌تر است. بایدن در اکتبر 2014 در یک سخنرانی در دانشگاه «هاروارد»، ترکیه و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را در حمایت و تقویت از داعش و گروه‌های افراطی‌گرا متهم ساخت. عربستان سعودی به‌عنوان مدعی رهبری جهان اسلام از دیرباز رقابت سختی را با سایر قدرت‌های منطقه به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده است. از نگاه عربستان ایران مدعی رهبری منطقه و بسط نفوذ خود با رویکرد تشیع است؛ بنابراین هم‌پیمانان ایران به‌ویژه دولت عراق و سوریه باید آماج حملات سعودی قرار بگیرند. علاوه بر عربستان، ترکیه نیز نقش مهمی را در حمایت از داعش ایفا می‌کند. گرچه حزب «عدالت و توسعه ترکیه»، کمک به داعش را انکار می‌کند، اما نقش اساسی که این حزب در فراهم کردن سلاح، حمایت لجستیکی، آموزش و پول برای داعش ایفا کرده، انکارناپذیر است.

برخی از رهبران بین‌المللی نیز، مقامات قطر را به تأمین مالی گروه تروریستی داعش که به سوریه و عراق تجاوز کرده و به گسترش خلافت سنی خود اهتمام دارد، متهم می‌کنند. البته حامیان منطقه‌ای داعش بدون چراغ سبز آمریکا نمی‌توانستند چنین روشی را در پیش بگیرند. چرا که آمریکا به همراه هم‌پیمانان غربی خود محیط منطقه‌ای مناسبی را برای سرازیر شدن گروه‌های جهادی به میدان‌های سوریه و عراق مهیا ساخت. رژیم صهیونیستی، اردن، انگلستان و برخی دیگر از کشورهای عربی و غربی نیز هر کدام به‌نوبه خود در پیدایش، حمایت و بهره‌برداری از داعش به ایفای

نقش پرداخته و به آمریکا در راستای رسیدن به اهداف خود یاری رسانده‌اند. در مجموع، هدف آمریکا و هم‌پیمانان غربی - عربی از ایجاد درگیری بین گروه‌های رادیکال با دولت‌های سوریه و عراق رهایی از گروه‌های افراطی، تضعیف و مهار قدرت ایران و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن و ایجاد جنگ داخلی در کشورهای ائتلاف مقاومت در جهت خدمت به منافع اسرائیل می‌باشد.

3. ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در تقابل با گروهک تروریستی داعش

عراق با موقعیت حساس و وابستگی‌های عمیق ژئوپلیتیکی متقابل با جمهوری اسلامی ایران، یکی از معهود کشورهای است که همواره از بدو شکل‌گیری ایده سلفی‌گری درگیر آن بوده است؛ به طوری که پس از اشغال عراق، این کشور به کانون اصلی فعالیت گروه‌های سلفی تبدیل شد و این جریان در تلاقی و همپوشانی با مدارهای قدرتمند سلفی، در جایگاه مهم‌ترین بازیگر غیردولتی در صحنه تحولات عراق قرار گرفت. این گونه نقش‌آفرینی در حلقه اول جغرافیای سیاسی ایران، واجد پیامدهای مهم برای جمهوری اسلامی ایران است (سیدنژاد، 1389). به تعبیر «اسپوزیتو» عراق تأثیرپذیرترین کشور همسایه ایران است که در جریان انقلاب اسلامی ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی و اشتراک مذهبی مورد توجه جدی قرار گرفت (Esposito, 1990: 33).

حکومت بعثی عراق که سنی مذهب بود با اشراف بر این موضوع و با نظر قدرت‌های سلطه‌گر نگاه به ایران را مورد توجه قرار داد که جنگ تحمیلی اولین اقدام آن بود. بعد از جنگ و تغییر شرایط محیطی ناشی از سرنگونی صدام، بستر مساعدی برای اقدامات گروه‌های سلفی فراهم گردید. سلفیون با هیبتی جدید و با تأکید بر اقدام مسلحانه برای استقرار حکومت در قالب گروه‌های وابسته به القاعده ظاهر شد که آخرین آنها گروه داعش است. اقدامات این جریان در عراق با توجه به تصرف سریع برخی از مناطق این کشور و سودای گسترش اقدامات مسلحانه به اقصی نقاط عراق با هدف سرنگونی دولت شیعی حاکم بر این کشور و نگاه ضد شیعی داعش به ایران می‌طلبد تا ایران اسلامی در مورد این جریان حساس باشد.

نگاه داعش به شیعه، حاکی از آن است که این گروه، ایران را به‌عنوان هسته اصلی و محوری شیعه مورد هدف قرار داده و اعتقاد دارد باید به سمت هسته حرکت کرد. از نگاه داعش، ایران شیعی به‌عنوان هسته اصلی مخالفان حکومت اسلامی مورد ادعای داعش به‌ر نحو ممکن باید مورد هدف قرار گیرد. احساس داعش بر این است که ایران به لحاظ تأثیر بر منطقه مانع عمده گروه برای اجرای احکام اسلامی است. به‌زعم داعش حمله به مقدسات و ارزش‌های شیعی در عراق پیش‌زمینه مناسبی برای ورود به اقدام بعدی علیه ایران است. از این‌رو بخشی از سناریوی پیشروی این گروه، رسیدن به اهداف خود از طریق کشتنیدن صحنه نبرد به سمت مرزهای ایران است (ساوه درودی، 1393: 104).

اگرچه داعش تهدیدی جدی برای ایران اسلامی به‌شمار نمی‌رود؛ اما حمایت پشت‌پرده برخی از حکام عرب با محوریت عربستان می‌تواند این تهدید را به جنگ فرسایشی مذهبی در کل منطقه تبدیل کند. به‌طور کلی، ناامن کردن عراق می‌تواند با دو هدف بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار باشد:

1) ایران درگیر مسائل داخلی عراق شده و هم‌زمان دغدغه ذهنی خود را معطوف به دو جبهه یعنی سوریه و عراق نماید. در این صورت عراق به‌عنوان حائلی بین ایران و سوریه می‌تواند به فرسایش توان اطلاعاتی و نظامی ایران در منطقه بینجامد.

2) با تشدید اقدامات نظامی در عراق، دامنه جنگ را به سمت مرزهای ایران کشیده و در این جبهه نیز دغدغه ذهنی ایران را به حل تنش‌های احتمالی سیاسی و مذهبی در مناطق مرزی معطوف نماید (ساوه درودی، 1393: 104).

با برآمدن داعش در عراق و اعلام تشکیل «دولت اسلامی» از سوی این گروه، فصلی نوینی از تحركات تروریستی در تاریخ روابط بین‌الملل گشوده شد که نماد آن را می‌توان «گذار از الگوی سازمان القاعده به الگوی سازمان داعش دانست». داعش و قبل از آن گروه القاعده عراق به رهبری ابومصعب الزرقاوی ایران را تهدید به عملیات انتحاری کرده بود. سخنگوی داعش ابومحمد العدنانی در تهدید علیه ایران اظهار داشت که داعش می‌تواند و می‌خواهد که ایران را به باتلاقی از خون تبدیل کند و ایران بدترین دشمن داعش محسوب می‌شود. در این میان نوع تحركات داعش در عراق به‌ویژه در کردستان عراق و مرزهای غربی ایران به‌گونه‌ای بود که جمهوری اسلامی ایران را تحریک می‌کرد تا به‌طور مستقیم در عراق درگیر شود؛ اما جمهوری اسلامی ایران، با هوشیاری به‌موقع، نه‌تنها درگیر جنگ تمام‌عیار با داعش نشد، بلکه مانع از آن شد که این گروه بتواند حوزه امنیت داخلی کشور را ناامن نماید. بخشی از این مصونیت، به هوشیاری و توانمندی و اشراف نهادهای مسئول در جمهوری اسلامی، اعم از نهادهای امنیتی، اطلاعاتی، نظامی و انتظامی باز می‌گردد که در این حوزه فعالیت کردند و در مقابل حجم بحران تروریستی موجود در مرزهای مختلف کشور، ضریب امنیت مناسبی را برای کلیت کشور فراهم نمودند.

با این شرایط و به‌لحاظ این‌که هر تهدیدی و یا آسیبی می‌تواند تأثیر خود را بر امنیت جامعه داشته باشد، توجه به آن ضروری است. بنابراین، این اقدام نباید با صرف هزینه سنگین صورت پذیرد. در دنیای سیاست و روابط بین‌الملل هیچ تحولی خالی از چالش و فرصت‌ها در کنار یکدیگر نیست، این بازیگران هستند که با درایت خود باید تهدیدات را دفع و از فرصت‌ها استفاده کنند. سیاستمداران توانا و باتدبیر می‌توانند تهدیدات را نیز به فرصت تبدیل کنند. داعش و تحولات ناشی از آن نیز از همین جمله‌اند که تهدیدات و فرصت‌ها را در کنار یکدیگر ارائه می‌دهد و این سیاستمداران ایران اسلامی هستند که باید با تفکر صحیح و در چارچوب منافع ملی تهدیدات آن را دفع و از فرصت موجود استفاده کنند.

4. چالش‌های حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران

گروه تروریستی داعش که برآمده از گفتمان نوسلفیسم است، علاوه بر تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌طور خاص تهدیدی برای منافع جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. تهدیدی که از آن یاد می‌شود، موجودیت نظام را به خطر نمی‌اندازد؛ بلکه این تهدید نفوذ سیاسی ایران را از یک‌سو و معضلات امنیتی را از سوی دیگر به همراه دارد. در ادامه به مهم‌ترین چالش‌های حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

4.1- تهدید امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران

تحولات عراق و سوریه و به‌خصوص حضور داعش در عراق از دو جهت امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اول، حضور نظامی داعش و دوم، حضور مجدد نیروهای غربی در کشور عراق به بهانه مبارزه با گروه تروریستی داعش. مسلماً حضور نظامی گروهی همانند داعش در دو کشور همسایه و متحد ما و در پی آن بی‌ثباتی شدید این کشورها بر امنیت ملی ما تأثیرات مخربی بر جای می‌گذارد. گرچه گروه داعش توانایی مقابله نظامی با ایران را ندارد، اما تهدیدی که در این زمینه وجود دارد آن است که آنها با بهره‌گیری از برخی نارضایتی‌های اجتماعی، قومی و اقتصادی در مناطق غرب ایران، زمینه را برای فعالیت‌های خود فراهم کنند. در دنیای مدرن امروز تحولات سایر کشورها حتی در فواصل بسیار دور تأثیرات پایداری بر سایر کشورهای جهان باقی می‌گذارد حال آن‌که بی‌نظمی و بی‌ثباتی در کشورهای همسایه و

منطقه‌ای به مراتب تأثیرات مخرب‌تری را بر جای می‌گذارد. هرج و مرج و بی‌ثباتی کشورهای عراق و سوریه می‌تواند معضلات و مشکلاتی هم‌چون هجوم پناهندگان، اختلال در تجارت اقتصادی و معضلات زیست محیطی، گسترش ناامنی و تروریسم و... را بر جای گذارد. حال تصور کنید این گروه تروریستی با این مرام نامرام بر عراق و شام تسلط یابد، وجود چنین تصویری نیز وحشتناک است (صبوری نژاد، 1393). در صورت تحقق چنین فرضیه‌ای احتمال این که یک جنگ تمام عیار منطقه‌ای در خاورمیانه شکل بگیرد بسیار زیاد است که در این صورت بی‌شک ایران یک پای این جنگ خواهد بود. داعش جزو یکی از ثروتمندترین سازمان‌های تروریستی جهان است که با فروش نفت، مالیات و غنیمت‌های بانکی و محلی ارتزاق کرده و به صورت تصاعدی تبدیل به ثروتمندترین سازمان تروریستی شده است؛ از این‌رو این ثروت بادآورده توان مالی کافی به داعش می‌دهد تا بتواند از طریق غیرقانونی به تسلیحات متعارف و حتی غیر متعارف دست پیدا کند (گلستان، 1394). در واقع، داعش بازیگری بی‌منطق، ساختارشکن و فراینیادگرا است که اگر به صورت غیرقانونی به سلاح‌های کشتار جمعی دسترسی پیدا کند از آن برای نابودسازی دشمن شیعی خود استفاده خواهد کرد. به این دلیل که ایدئولوژی داعش بیشتر آنتی شیعیسم است تا آنتی غربیسم.

4.2- حضور نظامی کشورهای غربی در عراق و سوریه در قالب ائتلاف علیه داعش

ظهور داعش موجب امکان یا گسترش حضور نیروهای آمریکایی در عراق و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس می‌گردد. این امر می‌تواند به افزایش شمار پایگاه‌های نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در همسایگی ایران بینجامد که طبیعتاً این امر هزینه‌های امنیتی ایران را در بلندمدت بالا خواهد برد. از سوی دیگر آنان می‌توانند از این پایگاه‌ها و حضور نظامی برای حمایت از مخالفین جمهوری اسلامی ایران استفاده نمایند. دیر زمانی نیست که آمریکا نیروهای خود را از عراق خارج کرد و در طرح یک عملیات نظامی علیه سوریه نیز شکست خورد. با توجه به چالش و تنش سیاسی زیادی که بین ایران و غرب در سی و پنج سال گذشته وجود داشته و دارد، حضور نظامی این کشورها به خصوص آمریکا در منطقه و همسایگی ما یک چالش امنیتی محسوب می‌شود. از این‌رو از منظر ایران خروج نیروهای غربی از منطقه یک فرصت امنیتی و ورود آنها یک چالش محسوب می‌شود. بنابراین با این استدلال خروج نیروهای غربی از عراق برای ایران یک فرصت امنیتی و بازگشت آنها به منطقه به بهانه داعش یک چالش جدید محسوب می‌شود. از طرفی اقدام نظامی ائتلاف ضد داعش محدود به عراق نیست و سوریه را نیز در بر می‌گیرد. سوریه از جمله کشورهای متحد ایران در منطقه است که کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن در تلاش هستند تا رژیم مستقر در این کشور را از اریکه قدرت پایین بکشند و دولت متحد خود را در این کشور بر سر کار آورند. در همین راستا بود که دولت آمریکا چندی پیش به بهانه سلاح‌های شیمیایی در صدد بود تا با اقدام نظامی در این کشور به این مهم دست یابد که با مخالفت ایران و روسیه روبه‌رو شد. حال یک‌بار دیگر داعش این فرصت را در اختیار آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن گذاشته است تا نیت خود را در سوریه عملی کنند. آنها به بهانه داعش زیرساخت‌های سوریه را مورد هدف قرار داده و با این که اعلام کرده‌اند در صدد مبارزه با نیروهای اسد نیستند و اولویت اول آنها داعش است؛ اما این احتمال هم‌چنان وجود دارد که با طولانی شدن عملیات نظامی علیه داعش به مرور در صدد ضعیف کردن رژیم اسد نیز برآیند. در همین چارچوب، دولت آمریکا اعلام کرده است در جهت مبارزه با داعش نیروهای معتدل مخالف اسد را تقویت خواهد کرد. موردی که ایران بارها نگرانی خود را از بابت آن ابراز کرده و هشدار داده است که در صورت حمله به مواضع نیروهای دولتی سوریه ساکت نخواهد نشست (صبوری نژاد، 1393).

4.3- چالش حضور بلندمدت آمریکا و هم پیمانان در منطقه

داعش همان اندازه که برای منطقه خاورمیانه چالش است برای آمریکا و اسرائیل و هم پیمانان آنان فرصت است. از یک سو آمریکا فرصت یافته تا به بهانه مقابله با آنچه زمانی خود بنیان گذار آن بوده و روزی به بهانه آن، به این منطقه لشکرکشی نموده مجدداً لشکر آراسته و موج جدید ارتش آمریکا در قالب راهبرد «ارتش‌های باز» را رونمایی و حضور خود را در منطقه تقویت نماید و از سوی دیگر و چنان که در همین روزها نیز شاهدیم با فروش جنگ افزار به طرفین جنگ در عراق و سوریه محصولات نظامی خود را عرضه و تجهیزات ارتش خود را آزمایش و بنیه مالی خود را تقویت نماید. مبارزه با داعش گرچه فرصتی است تا نیروهای مردمی عراق با دست گرفتن اسلحه و امکانات نظامی این غده سرطانی را ریشه کن کنند؛ اما در عین حال فرصتی است تا دولت‌های سلطه‌گری چون آمریکا و اسرائیل و برخی بازیگران منطقه با تجهیز نظام‌مند گروه‌های خاص عراقی، تسلیح آنان را به بهانه مبارزه با داعش و عملاً سرمایه‌گذاری تسلیحاتی بلندمدت علیه دولت قانونی عراق در دستور کار قرار دهند و پس از دفع فتنه داعش، استخوان لای زخم ملت و دولت عراق نهند (اخضریان، 1393).

4.4- تضعیف جبهه مقاومت و ایجاد حاشیه امن برای رژیم صهیونیستی

اساس و موجودیت رژیم صهیونیستی بر پایه بحران و جنگ‌افروزی در منطقه استوار است؛ بنابراین ایجاد و دامن زدن به جنگ طایفه‌ای و درگیری شیعه و سنی، سرگرم کردن کشورهای اسلامی به مشکلات داخلی خود و تجزیه کشورهای اسلامی را می‌توان از جمله طرح‌ها و برنامه‌های این رژیم برای منطقه ارزیابی کرد. در واقع، رژیم صهیونیستی با اجرای این طرح‌ها در منطقه در تلاش است تا حاشیه امنیتی خود را بالا برده و با مشغول‌سازی کشورهای اسلامی به مشکلات داخلی و درگیر کردن آنها، برنامه و طرح‌های خود را در منطقه به مود اجرا بگذارد. بدون شک، حضور یک عراق قدرتمند در کنار ایران و سوریه می‌تواند تمامی معادلات منطقه را بر هم زده و رژیم صهیونیستی از شکل‌گیری چنین قدرت منطقه‌ای نگران است؛ از این رو حمایت این رژیم از تجزیه عراق را می‌توان در این راستا ارزیابی کرد.

بی‌ثباتی‌های داخلی در درون کشورهای عراق و سوریه بر اساس منطق «منازعه، منازعه می‌آورد»، بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرات منفی دارد. جبهه مقاومت که نوک پیکانش را به سمت رژیم صهیونیستی هدف گرفته است؛ به دلیل ظهور نیروهای تکفیری داعش در کشورهای جبهه مقاومت آنان امکانات خود را در راستای مقابله با این تهدید جدید به کار گرفتند و این امر موجب مغفول ماندن آنها در کوتاه‌مدت از تهدید اصلی یعنی رژیم صهیونیستی گردیده است. در واقع، گروه‌های نوسلفی خواسته یا ناخواسته در معمای ترسیم شده رژیم صهیونیستی برای تضعیف محور مقاومت بازی می‌کنند. افزون بر این، عمل کرد داعش و گروه‌های سلفی تکفیری، باعث تغییر اولویت تضاد امت اسلامی با اسرائیل به سمت داخل جهان اسلام و بر اساس مبانی مذهبی شده است (رنجبر و همکاران، 1393: 57).

4.5- ارائه الگوی جعلی از اسلام سیاسی در مقابل اسلام ناب محمدی

در حال حاضر منطقه با ارائه الگوی نوینی از اسلام سیاسی با محور قرار دادن اسلام ناب محمدی روبه‌رو است. این الگو با معیارهای دفاع از قرآن و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و احیای امت اسلامی، اعتقاد به کمک به همه مستضعفین و مسلمین و حمایت از همه مجاهدان راستین اهل سنت و شیعی به‌عنوان واجب شرعی، التزام و تأکید بر آزادی و حضور واقعی مردم در تعیین سرنوشت خویش با توسعه عملی مردم‌سالاری دینی، تأکید بر استقلال ملت‌ها، ترویج اسلامی رحمانی با پیام «اشداء علی الکفار و رحماء بینهم» (و نه اسلام نفاق و مروج کفر و خشونت) و تأکید بر ارزش‌های ناب

اسلامی و با اعتقاد به وحدت اسلامی و با هدف تلاش برای آزادی قدس شریف در منطقه در حال رشد و شکوفایی است. بی‌شک این الگو رقاباتی در منطقه دارد که یکی از انواع آن الگوی اسلام داعشی است که مظاهر آن ترویج تعصب و تحجر و خشونت میان مذاهب اسلامی، مخالفت با ارکان تفکر و تمدن اسلامی، دامن زدن به جنگ‌های قبیله‌ای و مذهبی در جهان اسلام و رواج تروریسم و خشونت در جهان است. بی‌شک این مدل از اسلام سیاسی مورد سوءاستفاده بدخواهان امت اسلامی قرار خواهد گرفت و به‌طور غیر مستقیم برای ترویج اندیشه سکولاریسم در جوامع اسلامی مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت (رنجبر و همکاران، 1393: 53).

4. 6- تقویت تفکرات تکفیری در مقابل اسلام معتدل و عقلانی

ریشه جریان‌های تکفیری، به ظاهرگرایی و اکتفا کردن به ظاهر روایات و آیات باز می‌گردد. اگر به تاریخ نگاه کنیم، جریان‌های تکفیری غالباً از دل جریان حدیث‌گرایی و ظاهرگرایی ظهور و بروز پیدا کرده‌اند. امروزه بزرگ‌ترین عامل تهدید کننده کیان امت و مذاهب اسلامی «تکفیر» است. تکفیر پدیده‌ای رو به فزونی است که در صورت عدم کنترل و مهار، امکان رشد می‌یابد. گسترش این پدیده خطرناک موجب وارد آوردن آسیب‌هایی بر فطرت انسان‌ها، آینده جامعه و امت اسلامی و در نهایت اسلام عقلانی می‌شود و به مرور ابعاد بیشتر و کوبنده‌تری پیدا می‌کند. تکفیر مناسبات امت اسلامی را برهم می‌زند و امت بی‌مناسبات، رو به زوال است. آنها می‌توانند اجزای این امت را به هم دیگر متصل کنند و آنها را در کنار هم، در یک محیط آرام، پر نشاط و پر علاقه نسبت به هم و در ارتباط با هم قرار دهند. اگر این مناسبات به‌خاطر تکفیر از بین برود، رفتارهای ناهنجار تا سرحد کشتار جایگزین آن می‌شود.

تکفیر پدیده‌ای نوظهور در تاریخ اسلام نیست، بلکه در دل تاریخ، در پاره‌ای از مقاطع به‌دلایل اجتماعی و فکری و زمینه‌های موجود روی داده است. بنابراین تکفیر ماهیتاً همانی است که در گذشته بوده است؛ اما آن چه تکفیر عصر حاضر از گذشته متمایز می‌کند، چهار خصوصیت است که عبارتند از: ابعاد جهانی آن، شبکه‌ای شدن تکفیری‌ها، اقدام به کشتارهای نامتعارف و وحشیانه و چهارم، مشوش نمودن چهره‌ی اسلام رحمانی در اذهان مردم دنیا.

4. 7- تقویت ابعاد اسلام هراسی در نظام بین‌الملل

داعش با خشونت‌های توجیه‌ناپذیر در سوریه و عراق به‌صورت غیر مستقیم خوراک رسانه‌ای لازم را برای ارئه چهره غیر واقعی از اسلام فراهم می‌کند. جنایت‌های این گروه علیه مسلمانان و حتی مسیحیان موجب شده است تا رسانه‌های غربی به افکار عمومی وانمود کنند که اسلام واقعی همین است و این هدف طولانی مدت و استراتژیک تنظیم یافته برای تقسیم اسلام به دو بخش خوب و بد یا مسلمان بد و خوب است تا به بهانه این که مسلمین امنیت غرب و اروپا را به خطر می‌اندازند در آینده‌ای نزدیک مسلمین را از اروپا اخراج کنند، لذا تلاش برای انزوای مسلمین و ضربه زدن به وحدت اسلامی و هم‌سان‌سازی جریان داعش با جنبش‌های مقاومت فلسطین و لبنان اهداف بلند مدت رسانه‌های غربی در ترویج اسلام هراسی است (رنجبر و همکاران، 1393: 54).

5. فرصت‌های حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران

5. 1- اثبات قدرت منطقه‌ای ایران

حضور داعش در کشورهای عراق و سوریه به‌ویژه پس از حمله داعش به ایزدی تبارهای عراق موجب گردید، بیش از چهل کشور دنیا به رهبری آمریکا علیه داعش هم‌پیمان شوند تا به اصطلاح داعش را از بین ببرند. این اقدام تقریباً

نمایشی در حالی صورت گرفت که برخی از این کشورها از جمله عربستان، ترکیه، آمریکا، امارات، قطر و انگلیس در تشکیل و تجهیز داعش نقش بسیار تأثیرگذاری داشتند. جمهوری اسلامی ایران که در این پیمان حضور نیافت از فرصت استفاده نمود و قبل از اقدام آمریکا و هم‌پیمانانش، به کمک دولت و مردم عراق علیه گروه تروریستی داعش شتافت. اقدامات اثربخش ایران موجب گردید که تمام مسئولین عراق و حتی مخالفین جمهوری اسلامی ایران در عراق نیز به تأثیر اقدامات ایران در پیشگیری از سقوط کامل دولت بغداد و اشغال کامل عراق اعتراف نمودند و بارها از ایران تقدیر کردند. اقدامات همه‌جانبه‌ی ایران به‌حدی بود که تلاش 40 کشور هم‌پیمان آمریکا در مبارزه با داعش کاملاً در سایه قرار گرفت و اکثر رسانه‌های جهان، حتی رسانه‌های غربی بارها از نقش مثبت ایران در این بحران به نیکی یاد کردند. این حضور مقتدرانه و اثرگذار، موجب شد؛ اقتدار نظامی و سیاسی ایران در منطقه به همه‌جهانیان، کشورهای فرامنطقه‌ای و کشورهای منطقه‌ای نظیر عربستان و ترکیه که رقابت شدیدی با ایران در منطقه جنوب غرب آسیا دارند، ثابت شود. از منظر دیگر این حضور قدرتمند باعث شد بارها غربی‌ها به‌صورت محرمانه و عادی از ایران بخواهند تا در مبارزه با داعش با آنها هم‌پیمان شود. وزیر خارجه فرانسه از کشورهای مختلف از جمله ایران خواست در جنگ با داعش در عراق متحد شوند. اوباما نیز با ارسال نامه‌ای محرمانه به رهبر انقلاب خواستار اتحاد با آمریکا در مبارزه با داعش گردید (مینایی، 1394).

2.5- افزایش مشروعیت و اعتبار جبهه مقاومت

بزرگ‌ترین فرصتی که عمل کرد داعش برای جمهوری اسلامی ایران و به‌خصوص جبهه مقاومت به‌وجود آورده است، مشروعیت بخشیدن به جبهه مقاومت در سوریه، عراق، فلسطین و لبنان است. دولت‌های عراق و سوریه اعتبار، توانایی و تناسب اقدامات جمهوری اسلامی ایران را به‌وضوح درک کرده‌اند، به‌ویژه بشار اسد چنین اقداماتی را فراموش نخواهد کرد. داعش با ورود خود به عراق و سپس حمله به کردستان عراق که هم‌پیمان غرب شده است، نشان داد که به مرزهای سیاسی اعتقادی ندارد و تهدیدی برای جامعه جهانی محسوب می‌شود. افکار عمومی منطقه و جامعه جهانی نیز به این مسئله پی بردند که بحران سوریه منشأ خارجی دارد. گروه‌های نوسلفی از جمله داعش ثابت کرد که بشار اسد به‌دنبال قدرت‌طلبی نبوده است و همان‌گونه که وی اعلام کرده است برای صیانت از ملت سوریه با این گروه‌ها می‌جنگد. غربی‌ها، بحران سوریه را تداوم تحولات و انقلاب‌های عربی می‌دانستند و بر این اساس کمک‌های تسلیحاتی و مالی را برای گروه‌های مبارز داخل سوریه فراهم می‌کردند. اما اینک با این مشکل مواجه شده‌اند که افکار عمومی تحت تأثیر تحلیل‌های آنها قرار نمی‌گیرند؛ بر همین اساس دیگر نمی‌توانند به داعش کمک کنند. در واقع، غرب بر سر دو راهی مانده است از یک‌سو تمایل دارد با کمک به گروه‌های تروریستی، زمینه را برای سقوط بشار اسد فراهم کند و از سوی دیگر از عکس‌العمل افکار جامعه جهانی واهمه دارد (نوسلی، 1393).

3.5- مشروعیت یافتن دفاع ایران از سوریه

با هجوم عناصر تکفیری به دولت بشار اسد و عملیات‌های گسترده آنها در خاک سوریه و حمایت همه‌جانبه غرب و کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان، قطر و ترکیه، از این گروه‌های تروریستی، موجب شد؛ ویرانی و کشتارهای وحشتناکی در سوریه برای مردم و دولت این کشور حادث گردد. در این عرصه اکثر کشورهای جهان به تبعیت از غرب، رژیم صهیونیستی و سران برخی کشورهای منطقه، طبل نابودی اسد را کوبیدند و هم‌صدا شدند تا دولت قانونی و برآمده از آرای مردم سوریه را از بین ببرند. در این میان ندای حق‌طلبانه مردم و مسئولین ایران همواره در حمایت از مردم و دولت

سوریه بلند بود. تلاش دولت ایران در ایجاد ثبات در سوریه موجب گردید که چندین اجلاس بین‌المللی در ایران با حضور مخالفین سوری برگزار گردد. ایران با اتخاذ سیاست مناسب و هوشمندانه و نیز پشتیبانی همه‌جانبه از دولت سوریه موجبات شکست مخالفین و گروه‌های تکفیری و داعش در سوریه را فراهم آورد. به‌تدریج مناطق اشغالی سوریه از دست گروه‌های تکفیری آزاد شد و شرایط به گونه‌ای رقم خورد که دولت سوریه تقریباً از حالت بحران خارج شد. پس از این شکست‌ها، گروه داعش مرتکب اعمال وحشتناکی بر علیه مردم سوریه گردید که این اقدامات تروریسم بودن داعش را بر همه حامیان آنها ثابت نمود. با یورش داعش به عراق و ادامه اقدامات تروریستی خود در شهرهای موصل، تکریت، فلوجه، انبار، و اقدام آنها در برابر اقوام ایزدی و ترکمن، موجب شد که دنیا بر علیه تروریسم داعش ائتلاف تشکیل دهد و بارها از ایران بخواهند در مبارزه با داعش در کنار نیروهای ائتلاف قرار بگیرد و با آنها همکاری نماید. بدین‌گونه بود که، دفاع ایران از سوریه مشروعیت یافت. این اقدام هم‌چنین موجب گردید که ایران قبل از کشورهای مدعی در غرب، تروریسم را تقبیح کند و در برابر آن موضع واقع‌بینانه بگیرد.

5.4- وحدت گروه‌های سیاسی در عراق

انسجام و وحدت گروه‌های سیاسی در عراق یکی دیگر از فرصت‌های حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران است. مهم‌ترین گروه‌های سیاسی در عراق شامل شیعیان، اهل تسنن و کردهاست. پس از سقوط صدام این سه مرکز قدرت نتوانسته‌اند با یکدیگر تعامل منسجم داشته باشند. اختلافات آنها به ملت عراق نیز سرایت کرده است. همین مسئله یکی از معضلات دولت نوری المالکی بود و امروزه مشکل حیدر العبادی نیز محسوب می‌شود. اکنون این فرصت به‌وجود آمده است که در سایه خطر تروریست‌های داعش، گروه‌ها و احزاب عراقی اختلافات را کنار بگذارند و در دولت حیدر العبادی به مقابله با تروریست‌ها بپردازند (رنجبر و همکاران، 1393: 52). در واقع، داعش به‌عنوان یک جریان افراطی و انحرافی فرصتی است تا با بازخوانی نقاط اشتراک شیعیان از یک‌سو و شیعیان با اهل سنت از سوی دیگر، الگوی مشترک هم‌گرایی و اتحاد اسلامی با گروه‌های معتدل مسلمان منطقه را فراهم ساخت و عمق استراتژیک این پیوند را گسترش بخشد (خضریان، 1393).

5.5- عملیاتی شدن آموزش‌ها و تجربه جنگ‌های چریکی در صحنه نبرد

هرچند که نیروهای سپاه قدس در این میادین در قالب مستشارهای نظامی شرکت می‌کنند اما فهم استراتژیک میدان نبرد در چنین جنگ‌هایی قابل انتقال است. نیروهای نظامی ایران به‌ویژه نیروهای جدید و جوان که امکان تجربه‌اندوختن از میدان‌های نبرد نظیر جنگ تحمیلی را نداشتند؛ می‌توانند از این فرصت برای عملیاتی کردن آموخته‌های خود در صحنه نبرد واقعی اقدام نمایند. اطلاعات میدان نبرد، تحرک بالای نیروها و غافل‌گیری از مهم‌ترین مشخصات جنگ‌های چریکی است، تأکید عمده جنگ چریکی بر تاکتیک‌های جنگ و گریز است. در جنگ‌های چریکی مردم می‌توانند هم قدرتمندترین نیرو علیه چریک‌ها باشند و هم هدف اصلی آن، چون جنگ چریکی بیشتر برای تحت تأثیر قرار دادن و ایجاد رعب و وحشت انجام می‌گیرد. معمول‌ترین شکل جنگ در خاورمیانه جنگ‌های شهری یا چریکی است که در این جنگ‌ها از ابزارهایی با تکنولوژی پایین استفاده می‌شود و منازعات داخلی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا پس از بیداری اسلامی به وضوح گویای این مطلب است. اما به‌دلیل مشخص نبودن میدان نبرد از سخت‌ترین جنگ‌ها به‌حساب می‌آید (گلستان، 1394).

5.6- تضعیف نیروهای گریز از مرکز به دلیل ثبات و امنیت داخلی

داعش به‌عنوان بازیگری غیرمنطقی که جنون خونریزی دارد، موجی از ترس و وحشت مردمی و احساس ناامنی را در ابعاد جهانی به‌طور عام و منطقه و ایران به‌طور خاص برانگیخته است. در گذشته تاریخی ایران به‌دلیل وجود اقوام و مذاهب متفاوت و وجود دولت‌های بی‌کفایت و ستمگر، در صورت تضعیف حکومت مرکزی قدرت نیروهای گریز از مرکز گسترش یافته و همواره به‌دنبال خودمختاری بودند. با ثبات ماندن جمهوری اسلامی ایران در عصر آشوب‌زای پسا انقلاب عربی به‌رغم حمایت گسترده دشمنان جمهوری اسلامی ایران از مخالفان نظام باعث کاهش قدرت مخالفان داخلی و خارجی شده است (گلستان، 1394).

5.7- اثبات توانایی ایران به‌عنوان جزیره ثبات در منطقه‌ای بی‌ساختار و بی‌ثبات

با ظهور افراط‌گرایی سیستمیک در افغانستان به‌طور اعم و داعش به‌طور اخص، آتشی از ناآرامی‌های منطقه‌ای در خاورمیانه شعله‌ور گردید که تا به امروز به استثنای معدود کشورهایی در منطقه، دامن اکثر کشورها را گرفته است و موجی از خشونت و بی‌ثباتی را به وجود آورده است. مرزهای شرقی و غربی جمهوری اسلامی ایران برای گروه‌های افراطی تبدیل به مرزهای عایق و نفوذناپذیر شده که به استثنای چند حمله پارتیزانی مستحکم باقی مانده است. در واقع، ایران به‌عنوان آخرین و قدرتمندترین حلقه کشورهای شیعی و محور مقاومت در منطقه بحران‌زا و آشوب‌خیز خاورمیانه همچنان با ثبات باقی مانده است (گلستان، 1394).

5.8- نشان دادن سیاست خارجی موفق ایران

فرصت دیگری که حضور داعش در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران به‌وجود آورده است در بخش سیاست خارجی ایران می‌باشد. مسئله داعش یک فرصت و فضای مثبتی را برای سیاست خارجی ایران به‌وجود آورده است؛ زیرا نه تنها باعث شده خط سیاسی رسمی ایران که تروریسم منطقه‌ای را با تروریسم جهانی مرتبط می‌داند، اثبات شود، بلکه موجب شده است تا فضایی به‌وجود آید که به سایر بازیگران اثبات شود که ایران بازیگری قدرتمند در منطقه است که قادر است با این‌گونه مسائل مقابله کند. ایران در جریان تحولات اخیر عراق ثابت کرد که خط قرمز سقوط دولت عراق است. ایران از این فرصت به‌خوبی استفاده کرد و اجازه نداد دولت شیعی عراق انسجام خود را از دست دهد و سقوط کند. همچنین در این میان ثابت شده که نه تنها دولت ایران قدرتمند است بلکه ملت ایران هم قوی است، زیرا اجازه نفوذ داعش به داخل مرزهای خود را نداده است. ملت ایران هیچ فرصتی به این تندروها نداده است و با سیاست‌های دولت اعتدال‌گرای ایران این قدرت، افزایش نیز یافته است و هیچ‌گونه فرصت و عرصه‌ای برای اینکه داعش خودش را مطرح کند ایجاد نکرده است.

تلاش جمهوری اسلامی ایران برای ایفای نقش ائتلاف‌سازی میان گروه‌های مختلف شیعه، سنی و کُرد و ترسیم یک موقعیت برد - برد در ساختار سیاسی و تقسیم قدرت در دولت مرکزی حائز اهمیت است. در واقع، ایران نشان داد که یک بازیگر «ائتلاف‌ساز» است. به اعتقاد برخی تحلیل‌گران، ایران تنها بازیگری در میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که می‌تواند نقش ائتلاف‌ساز را ایفا کند. هیچ کشور دیگری از جمله: ترکیه، عربستان و حتی آمریکا نمی‌توانند؛ هم‌زمان این ویژگی را داشته باشند که روابط اربیل و بغداد را ترمیم کنند، گروه‌های مختلف شیعی را به ماندن در ائتلاف سیاسی‌شان ترغیب کند و یا روابط بین گروه‌های سنی متعادل با سایر گروه‌ها را برقرار کند. اگر نقش ائتلاف‌ساز ایران نبود این انتقال قدرت سیاسی در عراق به راحتی شکل نمی‌گرفت.

5.9- ارتقا جایگاه مرجعیت دینی

از دیگر فرصت‌هایی که حضور داعش در منطقه، نصیب ایران کرد، این بود که ارزش مرجعیت دینی و مراجع تقلید را بیش از پیش برای مردم و سایر کشورها آشکار نمود. پس از حضور داعش در عراق و تصرف تعدادی از شهرهای این کشور آیت‌الله سیستانی، مرجع تقلید شیعه، از شیعیان خواسته تا «سلاح بردارند و با پیکارجویان افراطی مبارزه کنند». سخنگوی او اعلام کرده‌است که «شهروندانی که قادر به حمل اسلحه هستند، وظیفه دارند که در دفاع از کشور و مردم خود و اماکن مقدس، به نیروهای امنیتی کشور بپیوندند». پس از فتوای آیت‌الله سیستانی مبنی بر دفاع از عراق در برابر داعش بسیاری از مردم عراق برای مبارزه علیه این گروه تروریستی داوطلب شدند. برخی از مردم با پیوستن به گروه‌های شبه‌نظامی شیعه برای مبارزه علیه داعش اعلام آمادگی کردند. برخی از این گروه‌ها که از آن جمله می‌توان به حزب‌الله عراق اشاره کرد از زمان جنگ 2003 عراق تشکیل شده‌اند بسیار کارآموده بوده و به‌شدت مخفیانه فعالیت می‌کنند. بنابر ادعای یکی از فرماندهان این گروه، حمایت ایران از شبه‌نظامیان شیعه عراق یکی از دلایل موفقیت این گروه‌ها در مبارزه با داعش بوده است. مردم به ندای این مرجع دینی به‌نحو چشم‌گیری لبیک گفتند و موج عظیمی از نیروی مردمی جهت مبارزه با گروه داعش در عراق ایجاد گردید که حضور این نیروها موجب توقف پیشروی‌های داعش در عراق و شروع اضمحلال این گروه تروریستی گردید (مینایی، 1394).

5.10- افزایش مشروعیت اسلام شیعی میان‌رو و عقلانی

پس از استقرار حکومت اسلامی در ایران به‌عنوان اولین مدل از حکومت‌های نوین اسلام سیاسی ما شاهد برخورد بازیگران جبهه غربی در قالب ایدئولوژی لیبرال دموکراسی با نظام جمهوری اسلامی ایران هستیم. از دیدگاه کشورهای غربی جمهوری اسلامی ایران بازیگری رادیکال و غیر منطقی که در صدد تقابل با نظام شکل گرفته جهانی بود. این روند تا سال‌ها ادامه پیدا کرد تا جایی که قدرت‌های غربی از هرگونه تلاشی برای براندازی آن دریغ ننمودند. اما با ظهور بنیادگرایی اسلامی در قالب‌های گوناگونی هم‌چون طالبان، القاعده و سپس داعش و مشاهده رفتار فرارادیکال و غیرانسانی آن شاهد تغییر نگاه غربی‌ها به ایران به‌عنوان یک بازیگر منطقی در قالب شیعه میان‌رو هستیم. به‌طوری‌که در حال حاضر شاهد، تمایل غرب برای همکاری مشترک با ایران برای مقابله با پدیده شوم بنیادگرایی داعشی هستیم (گلستان، 1394).

6. راهکارهای مقابله با داعش

6.1- راهکارهای عمومی

امروزه خطر تروریسم با بحران داعش به نقطه اوج خود رسیده است و علاوه بر عراق بخش‌های دیگری از منطقه را در معرض خطر قرار داده است و درصدد است تا تأسیسات زیرساختی و فرهنگی در هر مکان و نقطه‌ای را که اشغال می‌کند از میان ببرد. همین مسئله لزوم توجه فوری همه کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را برای ریشه‌کن کردن این جریان‌ها ضروری می‌سازد. از این‌رو، راهکارهای مقابله با حربه‌های گروه تروریستی داعش را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

1) یکی از دلایل پیشروی و موفقیت گسترده داعش منابع مالی آن است، بنابراین، برای مقابله با این گروه تروریستی باید با حمایت‌های مالی از آن مقابله و ریشه‌های منابع مالی آن خشکانیده شود. اجازه قاچاق نفت، آدم‌ربایی برای باج‌خواهی داده نشود و همچنین نباید اجازه داده شود که آثار تاریخی غارت شده فروخته شود و مهم‌تر از همه حمایت خارجی از این گروه قطع شود.

- 2) با تلاش‌های داعش برای جذب جنگجو از طریق شبکه‌های جذب وابسته به داعش باید مقابله شود.
- 3) لزوم فراهم ساختن خدمات ضروری به مناطقی که آزادسازی آنها از داعش صورت گرفته است. به‌تعبیر دیگر، باید تأسیسات زیرساختی ایجاد شود و شرایط به‌گونه‌ای باشد که آوارگان به خانه و کاشانه خود بازگردند؛ به‌ویژه که هم‌اکنون بیش از دو میلیون آواره در عراق وجود دارد.
- 4) پرهیز از فعالیت رسانه‌ای که در نهایت به قدرتمند نشان دادن داعش منجر شود. موضوعی که در ابتدای یورش داعش به عراق کمک شایانی به تروریست‌ها برای حرکت به سوی مناطق مختلف کرد.
- 5) باید تبلیغات از داعش گرفته شود؛ به‌ویژه که در حال حاضر این گروه از شیوه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ها به‌خوبی بهره‌برداری می‌کند. داعش این‌گونه وانمود می‌کند که خادم اهل سنت است؛ اما واقعیت به‌گونه دیگری است. ساکنان مناطق تحت اشغال داعش از گرسنگی، نبود برق و خشونت بی‌حد و اندازه رنج می‌برند. بسیاری از ساکنان مناطق تحت اشغال داعش از جنایات آن می‌گریزند و حاضر نیستند در سایه وحشت این گروه زندگی کنند.
- 6) استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی موجود خود کشور عراق برای مقابله با این جریان ضرورت دارد.
- 7) استفاده از مواضع وحدت‌بخش مرجعیت و جریان‌هایی حامی وحدت عراق که با تجزیه آن مخالف هستند، هم‌چنین توجه به عدم جریان‌سازی و مخالفت با نیروهای «حشد الشعبی» توسط جریان‌های داخلی و خارجی باید مورد توجه قرار گیرد.

2.6 - راهکارهای نظامی

نکته مهم در مورد راهکارهای نظامی مقابله با داعش این است که حملات هوایی ائتلاف ضد داعش تا زمانی که با تلاش‌های وسیع زمینی هماهنگ نباشد، نتیجه قابل توجهی دربر ندارد. بنابراین پیروزی در میدان نبرد، بدون هماهنگی و همکاری واحدهای زمینی که قادر به حمله به پایگاه‌های دشمن و تسلط بر آنهاست غیر ممکن است. طی جنگ دوم لبنان «دان حلوتس» ژنرال اسرائیلی اعلام کرد که «هوایما می‌کشد، نابود می‌سازد، پشتیبانی آتش را فراهم می‌کند، اما قادر به برافراشتن پرچمی بالای تپه‌ای نیست». به‌خصوص که دشمن، نیرویی غیرنظامی‌باشد کار سخت‌تر می‌شود. شواهد نشان می‌دهد، که داعش تدابیر پیشگیرانه‌ای را برای حمایت ساختار مبارزه خود از حملات هوایی اتخاذ کرده است. تدابیری همانند تخلیه پایگاه‌ها و مراکز آموزشی ویژه و کاهش تحرکات روزانه. داعش هم‌چنین به‌کارگیری وسائل ارتباطی و اینترنت و تلفن همراه را کاهش داده است و بر سیستم ابتدایی نامهرسانی، برای انتقال فرمان‌ها و آموزش‌ها بین واحدهای جنگی اتکا نموده است.

با توجه به اینکه تاکتیک‌های جنگی داعش مشابه و تکراری است می‌توان تدابیر علمی و پیشگیرانه‌ای را در مواجهه با بخشی از فعالیت‌های آنان در نظر گرفت که عبارتند از:

- 1) تکیه بر حمله‌های رقابتی از طریق پاتک و حمله‌های ناگهانی برای خارج ساختن مدیریت کار از دست آنها و ایجاد احساس ناامنی که به ایجاد هراس و اختلال در واکنش آن منجر شود.
- 2) ایمن‌سازی اجباری خطوط منتهی به ورودی پایگاه‌های دفاعی با مسیرهای انحرافی و پناهگاه‌های بتونی که ورود آلات جنگی به آن سخت باشد. برای افزایش امنیت می‌توان از موانع فلزی مستحکم از جمله درهای ورودی که جز با دستور مقام مسئول باز نشود و هم‌چنین زیر نظر تیراندازی مسلسل‌های سنگین باشد. این تدابیر موفقیت بسیاری از عملیات بمب‌گذاری انتحاری داعش را خنثی می‌سازد.

3) موظف ساختن واحد توپ‌خانه‌ای تابع پایگاه دفاعی مورد نظر، به ایجاد موانع آتشین بر خطوط تجمع و حرکت احتمالی با هدف پراکندگی نیروهای دشمن قبل از شروع حمله.

4) تشکیل نیروی ذخیره استراتژیکی در هر بخش نظامی به‌منظور نجات هر پایگاهی که در معرض حمله ناگهانی گروه تروریستی داعش قرار بگیرد.

5) تسلیحات نیروی هوایی نقش مهمی را در جنگ علیه داعش و نیروهای غیرنظامی مشابه دیگر ایفا می‌کند. به‌ویژه هواپیماهای بدون سرنشین و مجهز به موشک‌های هوا به زمین، که هم‌زمان می‌تواند مأموریت‌های جاسوسی و مشارکت جنگی را انجام دهد.

6) تمرکز بر تلاش‌های اطلاعاتی برای نفوذ در ساختار داعش با هدف شناخت اهداف مورد نظر و آگاهی از نیروهای آن به‌منظور انجام حمله‌های برنامه‌ریزی شده (خواجه، 2014: 98).

در جبهه سیاسی نیز، از میان بردن پایدار داعش تا حد زیادی منوط به سرعت، قدرت و تداوم عملیات نظامی است. نیروهای داعش و رهبری آن ملغمه‌ای از طرفداران صدام و نوسلفیانی هستند که از ترس فرقه‌ای سنی‌ها بهره می‌برند؛ آنها سخت می‌جنگند و می‌میرند و قساوت‌های شدیدی از خود به نمایش می‌گذارند و تا آخرین نفس از پایگاه‌های خود دفاع کنند (دانیلی، 1394). با توجه به این مسئله، به نظر نمی‌رسد که راهبرد نابودی فیزیکی داعش مسئله را حل کند و به تهدید ستیزه‌جویان داعشی پایان دهد، چراکه آنها هم‌چنان برای بازسازی و تأسیس دوباره خلافت خودخوانده خویش خواهند کوشید، مگر این‌که به موازات بازپایی توانایی کشورهای سوریه و عراق، تنش‌های فرقه‌گرایی در خاورمیانه که با تهاجم کشورهای عربی به یمن تشدید شده است، از بین برود.

3.6- راهکارهای فرهنگی

بی‌شک اقدامات نظامی متضاد و اقدام نظامی هماهنگ بین کشورهای منطقه تنها بخشی از راه‌حل مقابله با گروه‌های تروریستی تکفیری از جمله داعش است. حل مشکل داعش و سایر گروه‌های تکفیری تنها از راه نظامی و با محدود کردن منابع مالی و مقابله رسانه‌ای و اتحاد قوی در جبهه مقاومت امکان‌پذیر نیست. هرچند راهکارهای ذکر شده همگی باید وجود داشته باشد، ولی کفایت نمی‌کند و نیازمند یک اقدام فرهنگی از سوی مسلمانان و برادران اهل سنت به‌ویژه علمای بزرگوار آنان است. نقش دادن به مسلمان اهل سنت، به‌ویژه علمای اهل سنت در مبارزه با گروه‌های نوسلفی همانند داعش، از مهم‌ترین روش‌های مقابله با آنان است.

با افزایش گستره حضور داعش، متأسفانه رسانه‌های کشور به‌منظور اثبات میزان بی‌منطق و غیراسلامی این گروه‌ها، صرفاً به نمایش صحنه‌های فجیع خشونت‌های آنها بسنده می‌کنند؛ اگرچه نمایش این صحنه‌ها برای شناخت این گروه‌ها در نظر بسیاری از مردم کشور ما کافی است، ولی برای مواجهه فرهنگی با این گروه‌ها کفایت نمی‌کند. این مسئله که داعش قارچ‌گونه تعدادشان از کشورهای مختلف تکثیر می‌کند و با وجود شکست‌های پی‌درپی در سوریه و عراق و تلفات سنگین، باز هم می‌تواند از کشورهای مختلف آسیایی، آفریقایی و حتی اروپایی جذب نیرو کنند، مسئله‌ای غیرقابل اغماض به‌نظر می‌رسد (نورانی، 1393: 187).

اعتقادات گروه‌هایی مانند داعش، نه‌تنها با اعتقادات شیعه در تعارض است، بلکه به‌صورت غیرقابل اغماضی با اعتقادات اهل تسنن نیز تناقض دارد، به‌نحوی که هم بزرگان اهل‌تسنن و هم سران داعش نسبت به یکدیگر اعلام موضع و حتی برائت و جهاد هم کرده‌اند.

با توجه به شدت تناقضات اعتقادی اهل تشیع و داعش و گروه‌های تکفیری، تشیع رسماً دشمن اول این گروه به‌شمار می‌رود و احتمال جذب شیعه به این گروه‌ها وجود ندارد. با این حساب، این اهل تسنن هستند که با توجه به تعارضات کمتری که با اعتقادات این گروه دارند، در خطر جذب از سوی ایشان قرار دارند و این مسئله اهمیت ورود علما و بزرگان اهل سنت را برای جلوگیری از عضوگیری از میان برادران اهل سنت اثبات می‌کند، که به این منظور موارد زیر ضروری به نظر می‌رسد:

1) علما و بزرگان اهل سنت باید صراحتاً تفاوت‌ها و تعارضات اعتقادی اهل سنت را با تفکرات تکفیری تشریح نمایند تا برادران اهل سنت به‌راحتی در برابر تبلیغات تکفیری‌ها لغزش نکنند و پای در بازی ضد اسلامی ایشان نگذارند. علمای اهل تسنن باید ضمن تشریح شبهات اعتقادی داعش و گروه‌های تکفیری، پیروان خود را به‌لحاظ اعتقادی نسبت به هجمه‌های اعتقادی تکفیری مصون نمایند.

2) در گام دوم، باید اهداف و وابستگی‌های این گروه درک و تشریح شوند. اگر اهل تسنن از اهداف خواسته یا ناخواسته و شوم داعش و گروه‌های تکفیری برای تشدید شکاف بین مسلمانان و تضعیف آنان و نمایش یک چهره زشت و خشونت‌زده و غیر منطقی از اسلام پرده بر ندارند و اگر از عواقب قدرت‌گیری این گروه‌ها برای مردم گفته نشود، همچنان تعداد زیادی از اهل تسنن در معرض حمایت از آنان و یا پیوستن به این گروه‌ها و بازی در پازل آمریکا، اسرائیل و غرب، قرار خواهند گرفت.

3) علمای اهل سنت باید برای اتحاد شیعه و سنی، گام‌های بزرگ عملی بردارند و دست اتحادی را که سال‌هاست از سوی بزرگان راستین شیعه بلند شده است، به‌گرمی بشمارند و همان‌طوری که انقلاب اسلامی و رهبران آن از علمای افراطی شیعی اعلام برائت می‌کنند، آنها نیز از افراطیون سنی که با سلاح و رسانه، آب به آسیاب دشمنان می‌ریزند و موجب تفرقه بین مسلمان می‌شوند، اعلام برائت کنند (نورانی، 1393: 188).

کشورهای منطقه باید به این درک برسند، امنیت همگان در مقابله با بحران فعلی داعش، به‌هم وابسته است و آتش تعصب و افراط‌گرایی فردی و یک‌جانبه خاموش نمی‌شود.

کشورهای منطقه باید به این باور برسند، تنها با یک گروه تروریستی مبارزه نمی‌کنند، بلکه با یک ایدئولوژی مخرب روبه‌رو هستند که باید جدای از عرصه نظامی، آن‌را در عرصه اندیشه و فکر نیز شکست داد. در حقیقت، «ایدئولوژی» بزرگ‌ترین خطری است که جهان در دهه آینده با آن روبه‌رو است. بذره‌های این خطر اکنون در اروپا، آمریکا، آسیا، آفریقا و مناطق دیگر در حال رشد است و داعش با استفاده از مذهب وارونه‌ای که ارائه می‌دهد و افزایش نفرت، توانایی جذب گروه‌های تروریستی و عناصر افراط‌گرا از سراسر جهان را دارد. به‌همین دلیل نابودی گروه‌های تروریستی برای پایان دادن به این خطر کافی نیست، بلکه باید با ریشه‌های این ایدئولوژی خطرناک مقابله کرد تا نتواند بار دیگر در منطقه رشد کند. ایجاد آگاهی و بیداری میان مردم در قبال داعش و افشای اهداف واقعی این گروه تروریستی و حامیان آن یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با داعش است، اقدامی که مراجع عالی دینی عراق از جمله «آیت‌الله سیستانی» به آن پی برده و از همه مردم چه شیعه و چه سنی خواست، به مقابله با این دشمن بسیج شوند. در این راه نمی‌توان از اقدامات ارزشمند جمهوری اسلامی ایران در راه مقابله با این خطر بزرگ به‌راحتی گذشت، رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله) درباره ماهیت واقعی داعش و ایادی خطرناک نهفته در پس آن و همچنین هوشیار نمودن مسلمانان منطقه نسبت به توطئه بزرگی که به‌دست آمریکا برای ملل منطقه تدارک دیده شده و در «جنگ شیعه و سنی» نمود پیدا می‌کند، در کنار حمایت دولت ایران از دولت‌های عراق و سوریه که خط اول مبارزه با داعش در منطقه شمرده می‌شوند و

حضور افرادی هم چون «سردار سلیمانی» در جبهه‌های عملیاتی مبارزه با داعش در عراق نمونه‌های معدودی از اقدامات جمهوری اسلامی ایران جهت مقابله به این خطر بزرگ شمرده می‌شود.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران به دلیل ماهیت، اهداف و تأثیرات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، در طول سی‌وهفت سالی که از عمر پر برکت آن می‌گذرد؛ همواره آماج تهدیدات درحوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی از سوی نظام سلطه و با حربه‌های مختلف و صحنه‌گردانی بازیگران داخلی و خارجی بوده است و انتظار نمی‌رود با توجه به این اختلافات اساسی، در کوتاه مدت تهدیدات مرتفع گردد. از جمله این تهدیدات اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران، اقدامات گروهک تروریستی داعش است. در رابطه با حضور داعش در منطقه، جمهوری اسلامی ایران با استفاده از توانمندی‌های نظامی و نفوذ معنوی خود در منطقه سعی کرده است به‌رغم تهدیدات این گروه تروریستی، ضمن اقدامات نظامی و سیاسی متناسب، جهت برخورد با چنین گروهی از فرصت‌های به وجود آمده نیز استفاده کرده و از یک‌طرف هم توانایی خود را به رخ رقبای منطقه‌ای همانند ترکیه و عربستان کشیده است و هم بر نفوذ معنوی خود در منطقه افزوده و خط مقاومت را محکمتر از قبل ساخته است. با توجه به شیعه بودن دولت عراق و ظرفیت و پتانسیل اقتصادی و مشترکات فرهنگی و مذهبی و نیز هم‌مرز بودن با جمهوری اسلامی ایران، این کشور از لحاظ امنیتی برای ایران بسیار اهمیت دارد. تلاش گروهک تروریستی داعش جهت تصرف و سقوط دولت عراق گرچه با اقتدار نظامی جمهوری اسلامی از نظر احتمال حمله نظامی به کشور منتفی است، لیکن با ناامن کردن مرزها و فراهم نمودن زمینه قاچاق تسلیحات نظامی به داخل کشور و نیز پشتیبانی و اعزام گروه‌های تروریستی می‌تواند چالشی هرچند محدود را در پی داشته باشد. در پایان باید گفت که حضور گروهک داعش در عراق و سوریه در درازمدت می‌تواند دغدغه‌ای اساسی برای امنیت ملی ایران محسوب شود. در همین راستا، شناخت و پیگیری ماهیت جریان تکفیری داعش از نقطه نظر منافع حیاتی و امنیت ملی برای ایران حائز اهمیت بسیار است. ایران باید به دقت تحولات گروه‌های جهادی در عراق و شام را دنبال کند (نجات و همکاران، 1393: 100).

در نهایت این نکته قابل ذکر است که جریان‌های نوسلفی از جمله گروه تروریستی داعش ضمن از میان برداشتن زمینه وحدت میان جوامع مسلمان، به دلیل تفاوت و تقابل‌های مبنایی و فکری، زمینه‌ای را نیز برای ایجاد تخاصم و درگیری فراهم کرده‌اند. امروزه، داعش نمونه‌ای از برداشت‌های نادرست و غیر واقعی از اندیشه‌های اسلامی است که امروز در نقش پاشنه‌ی آشیل جوامع اسلامی، وحدت مسلمین را نشانه گرفته است؛ زیرا هم چهره واقعی اسلام را مخدوش می‌کند و هم بهانه‌ی لازم را برای ورود نیروهای غرب به قلمرو اسلامی فراهم می‌نماید. از این‌رو، جهان اسلام نیز باید با اتخاذ رویکرد هم‌گرایی و تقریب زمینه رشد این جریان‌ها را متوقف و بشریت را از خطر رشد این جریان‌های تکفیری مصون سازد.

1. اخضریان کاشانی، محمدرضا (1393)، داعش؛ پایش چالش‌ها و فرصت‌ها، خبرنگار صادق؛ قابل دسترسی در: <http://www.isunews.ir/5437/>
2. رنجبر شیرازی و همکاران (1393)، **جریان‌شناسی داعش: چیستی، شاخصه‌ها و راهکارهای مواجهه**، تهران: انتشارات سخنوران، مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی.
3. توسلی، حسین (1393)، تهدیدات و فرصت‌های عمل‌کرد داعش برای جمهوری اسلامی ایران، خبرگزاری فارس، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930402001177>
4. خواجه، محمد (2014)، داعش: منابت، أسالیب و تأثیرات، **فصلیه شؤون الأوسط**، مرکز الدراسات الاستراتیجیه، السنه الرابعه والعشرون، العدد 149.
5. ساوه‌دردی، مصطفی (1393)، گروه تروریستی داعش؛ برآیند تنازعات و ناامنی‌های منطقه‌ای، **فصلنامه علمی-پژوهشی امنیت پژوهی**، سال سیزدهم، شماره 45، بهار.
6. سیدنژاد، سیدباقر (1389)، روند سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، دوره 16، شماره 47.
7. صبوری نژاد، احمد (1393)، دژ محکم امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و تروریست‌های داعش، صاحب‌نیوز، قاب دسترسی در: <http://sahebnews.ir/139221/>
8. عماد، عبدالغنی (2013)، **الحركات الاسلامیه فی الوطن العربی**، الطبعه الاولی، بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه.
9. گلستان، مسلم (1394)، چالش‌ها و فرصت‌های ظهور داعش برای ایران، دیپلماسی ایرانی، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1947944/>
10. مینایی، حسین (1394)، تهدیدها و فرصت‌های داعش برای جمهوری اسلامی ایران، **مرکز بین‌المللی مطالعات صلح**، قابل دسترسی در: <http://peace-ipsc.org/fa/>
11. نجات، سید علی (1393)، **جریان‌شناسی سلفی‌های جهادی - تکفیری در بحران سوریه، گزارش خبری - تحلیلی بوتن نیوز**، 5 مرداد.
12. نجات، سید علی (2015)، **الاستراتیجیه الإعلامیه لتنظیم داعش الإرهابی، موقع سیریا نیوز**، مایو 2015.
13. نجات‌پور، مجید؛ میلانی، جمیل و سیدعلی نجات (1393)، پدیده داعش و شگردهای رسانه‌ای، **فصلنامه مطالعات رسانه و امت**، سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان.
14. نورانی، سید مهدی (1393)، **داعش از کاشت تا برداشت**، قم: انتشارات مجد الاسلام.

1. Esposito, john (1990), "the Revivel of Fundamentalism the Case of Iran", **Hamdard islamicus**. V. 3